

عنوان مقاله:

تقابل معرفت و معیشت براساس قصه ای از مثنوی معنوی

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره 1، شماره 1 (سال: 1381)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسنده:

مهدی محبتی - پژوهشگر گروه پژوهشی زبان و ادبیات فارسی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی

خلاصه مقاله:

مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی مشهور به رومی یکی از گشاده ترین دفترهای معرفت انسانی و اسلامی است که از بدو ظهور، جان مشتاقان را از زلال جاری خود سیراب کرده و دست محتاجان وادی نیاز را گرفته و پا به پا برده است تا پله پله مقامات عرفانی را دریابند و طی کنند و از تبتل های ساده تا حال فنا را در خویش بیابند. در این تردیدی نیست. از دیگر سو، مثنوی معنوی هم جزئی از معرفت کلی بشری است که نمی تواند و نباید فاقد خواص و اوصاف معارف بشری باشد. از جمله این که احوال روحی، اوضاع اجتماعی، شرایط تاریخی و تنگناهای زمانی و زبانی نمی تواند در هر اثر ادبی هر چند بس بزرگ و سترگ هی چگونه مدخلیهتی و موضوعیهتی و یا حداقل طریقیهتینداشته باشد. کوشش این جستار و گفتار بر آن است که تا حدودی مسأله تعیین های تاریخی و وجودی را در یک قصه از مثنوی شریف بازگشاید و آن مسأله این است که وقتی جهت فرهنگ اجتماعی و اندیشه سیاسی و نیروهای تأثیرگذار تاریخی در یک برهه، جامعه را به سمت و سوی خاصی سوق دهد؛ کمتر متفکر و صاحب دلی است که خود را به تمامی از چند و چون چنگال آن رهایی بخشد. تأویل اجتماعی قصه فیلسوف و اعرابی در مثنوی در واقع بازکرد تأثیر تاریخ جامعه و شرایط خاص فرهنگی جهان اسلامی در فاصله قرن های پنجم تا هفتم بر نگاه و اندیشه مولاناست، هرچند بسیار گذرا و کوتاه.

کلمات کلیدی:

اشعریهت، تعیین های تاریخی، جامعه شناسی معرفت، خردستیزی و خردگرایی، عامه و خاصه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/315546>

